

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۵-۶۵

## پایش راهبردهای زبانی ایران هراسی در خبرگزاری العربیه با تکیه بر نظریه چارچوب‌سازی انتمن و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک<sup>۱</sup>

رحیم کثیر<sup>۲</sup>، علی ضیغمی<sup>۳</sup>، سیدرضا میراحمدی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای زبانی منجر به پدیده ایران‌هراسی در شبکه العربیه، انجام گرفته‌است. به این منظور، دو نظریه چارچوب‌سازی انتمن (Entman, 2014) (بازنمایی اهداف مؤلف از متن با استفاده از روش‌های تفسیری و بازنمود محتوای پنهان با دلالت‌های ضمنی متن و تفسیر آن) و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک (Van Dijk, 2005) (تقویت نکته‌های مثبت و نادیده‌انگاری نکته‌های منفی گروه خودی و تقویت نکته‌های منفی و نادیده‌انگاری نکته‌های مثبت گروه غیر خودی) انتخاب شد. سپس، ۲۰ متن در بازه جولای تا دسامبر ۲۰۲۱ در خبرگزاری العربیه از ژانر تحلیل سیاسی با موضوع‌های مسائل ایران و با هدف تبیین راهبردهای زبانی این خبرگزاری در فرآیند چارچوب‌سازی رسانه‌ای بررسی شده‌است. در اجرای نظریه‌ها، توجه اصلی بر تحلیل راهبردها و تکنیک‌های زبانی بوده و کوشش شد تا اندازه‌ممکن از نقد سیاسی پرهیز شود تا یافته‌های پژوهش مبتنی بر مبانی علمی باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه، مداخله‌گری در امور داخلی کشورها، ایستادگی در برابر خواست ملت‌ها، روحیه استعمارگری و تأکید بر

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.41796.2234

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛ rahimkasir@semnan.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)؛ zeighami@semnan.ac.ir

<sup>۴</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛ rmirahmadi@semnan.ac.ir

همسوسازی کشورهای اسلامی علیه ایران مهمترین چارچوب‌های العربیه بوده‌است. العربیه همچنین برای جبران کمبود ادکه و اسناد قطعی و غیر قابل مناقشه برای گزاره‌های خبری و تحلیلی خود به استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های اقناع رسانه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت ادبی زبان عربی برای سودهی به مخاطب عرب در راستای اهداف و سیاست‌های رسانه‌ای خود پرداخته‌است. در کاربست راهبردهای زبانی، بیشترین سهم به قطبی‌سازی، فاصله‌گذاری، هم‌معنایی، پیش‌انگاشت، هم‌دلی و اغراق تعلق دارد که چگونگی برگزیدن آن‌ها برای چارچوب‌های مختلف هوشمندانه بوده و با هدف‌های العربیه هماهنگی دارد. در مقابل، هرگونه کنش‌گری منفی از سوی عربستان با سانسور روبه‌رو شده و گفتمان سکوت دربارهٔ نقاط منفی گروه خودی بر این رسانه حاکم است.

**واژه‌های کلیدی:** چارچوب‌سازی، راهبردهای زبانی، تحلیل گفتمان خبری، چارچوب‌سازی رسانه‌ای انتمن، مربع ایدئولوژیک ون‌دابک، العربیه.

## ۱. مقدمه

دخالت ایدئولوژی در متن، محور عمده‌ای است که مطالعات زبان‌شناختی و گفتمانی را به هم پیوند می‌زند. مطالعهٔ گفتمانی رسانه‌ها با هدف تبیین تکنیک‌های به‌کار گرفته شده در رقابت‌ها و درگیری‌های میان کشورها، حوزهٔ پژوهشی گسترده‌ای است که در ایران در بیشتر موارد، دربارهٔ رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب انگلیسی زبان انجام می‌شود. در این میان، پژوهش‌هایی نیز دربارهٔ رسانه‌های عربی انجام گرفته که در پیشینهٔ پژوهش به آن‌ها اشاره خواهد شد.

از سوی دیگر با توجه به نقش مهمی که عوامل و سازوکارهای زبانی در بازتولید سلطه اجتماعی و کنترل ذهن سوژه‌ها از طریق بازنشر ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کنند، کشف سطح‌های زیرین آن جنبه‌های سطحی که مربوط به سازمان‌دهی ساختاری کلام است، می‌تواند به پیدایش یک بینش بارور و عمیق‌تر بیانجامد (Hallajzadeh Bonab et al., 2018)

نظریه چارچوب‌سازی انتمن<sup>۱</sup> می‌کوشد با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری، هدف‌های نویسنده را از متن نوشتاری بازنمایی کند و تا اندازهٔ ممکن محتوای پنهان پیام را از طریق تفسیر متن و دلالت‌های ضمنی آن کشف و بازنمایی کند (Iman & Noushadi, 2011.p.16-38). به بیان دیگر، کار ویژه اصلی چارچوب‌سازی گذر از لایه نخست متن (واژه‌ها، عبارت‌ها، بلاغت و روش‌های اقناعی) و ورود به پیشگاه درونی متن برای شناخت رویکردها و هدف‌های اصلی نویسنده و بالاتر از آن شناخت ایدئولوژی و سیاست‌های تأثیرگذار در نگارش وی است. برای این

<sup>۱</sup> R. Entman

کار، لازم است متن یا متن‌های مورد نظر به صورت زمانی یا موضوعی دسته‌بندی شوند، تا بتوان هدف‌های کیفی مورد نظر را به انجام رسانید. آنچه پژوهش‌های کیفی متن‌ها را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، تلاش برای شناسایی و تحلیل الگوهای آشکار و پنهانی است که متن بر اساس آن‌ها ساماندهی شده‌است.

عربستان سعودی به‌عنوان رهبر و پیشوای جهان اهل سنت (در کنار مصر و الأزهر) شناخته شده و به سبب مرکزیت شاعر دینی در این کشور، رسانه‌های آن از مؤثرترین رسانه‌های جهان عرب و بخشی از سیاست نرم عربستان سعودی است (Hafez, 2017, p. 250). بر این اساس، وب‌گاه خبرگزاری العربیه که مهم‌ترین رسانه و در واقع سکوی سخنرانی بین‌المللی دولت سعودی است برای بررسی بر اساس نظریه چارچوب‌سازی برگزیده شد. رسانه‌های عربستان از جمله العربیه در میان رسانه‌های عربی به دلایلی که پیرامون جایگاه سیاسی سعودی گفته شد، دارای جایگاه هستند و به همین سبب با توجه به نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه و همسایگان ایران، نیاز است راهبردهای آن‌ها با تکیه بر استانداردهای علمی شناسایی شود و برای بهره‌گیری از رویکردهای رسانه متناسب به کمک پژوهشگران و سیاست‌گذاران رسانه‌ای آید.

در پژوهش‌های رسانه‌ای فرض بر این است که متن، از دخالت عوامل خارجی و بافتی در امان نیست. اینکه چه خبری، چگونه، در چه زمانی و با چه اندازه تکرار به چاپ می‌رسد، بستگی به سیاست‌های کلان حاکم بر رسانه دارد. دولتی یا غیر دولتی بودن، محل تأمین بودجه، باورهای مذهبی ویژه، جهت‌گیری‌های سیاسی و پاسداشت منافع صاحبان رسانه، فقط بخشی از عوامل خارجی مؤثر بر تولید و پخش خبر است. پس نمی‌توان رسانه را فقط ابزاری خنثی برای انتقال پیام در نظر گرفت، بلکه رسانه‌ها اکنون خود به کانون قدرت تبدیل شده و نقش اساسی و کنشگرانه در دگرگونی‌های جهانی دارند. این پژوهش در نظر دارد با توجه به ضرورت‌های بیان‌شده در سطرهای پیشین، به تحلیل چارچوب‌های رسانه‌ای و تکنیک‌های به کار گرفته شده در فرآیند اجرای این چارچوب‌ها بپردازد. در نگارش پژوهش حاضر نویسندگان ابتدا با روش بررسی میدانی، بیش از ۱۰۰ متن گوناگون را از وب‌گاه خبرگزاری العربیه، ۲۰ متن در بازه جولای تا دسامبر ۲۰۲۱ با موضوع‌های مختلف مرتبط با ایران گردآوری کردند. پس از شناسایی راهبردها، شگردها و چارچوب‌های زبانی به کاررفته در متن‌های خبری و تحلیلی، آن‌ها را دسته‌بندی کردند. بدیهی است که از میان متن‌های با راهبردها و چارچوب یکسان مهم‌ترین و یا قوی‌ترین آن‌ها از جنبه فنی برگزیده و در متن مقاله آورده شد تا ضمن عدم تکرار بر حجم مقاله افزوده نشود. در پایان، ۲۰ متن نهایی شده و پس از آن، متن‌ها از جنبه‌های زبانی (شگرد و راهبرد) بررسی شد. بر این مبنا،

پرسش‌های پژوهش از این قرارند: نخست اینکه، راهبردهای انتخاب‌شده برای چارچوب‌سازی خبر و تحلیل مرتبط با ایران در خبرگزاری‌های عربیّه به چه صورت بوده‌است؟؛ دوم آنکه، نویسندگان مطالب وب‌گاه شبکه خبری‌های عربیّه، چگونه چارچوب‌های رسانه‌ای مورد نظر خویش را در بازنمایی اخبار ایران به اجرا در می‌آورند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

حوزه رسانه یکی از پهنه‌های میان‌رشته‌ای است که پژوهشگران رشته‌های ارتباطات، زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و مانند آن به تحلیل موضوع‌های گوناگون با تکیه بر دانش مرتبط با رشته اصلی خویش به این حوزه، می‌پردازند. به همین سبب، پژوهش‌های مرتبط با رسانه به‌طور کلی از حجم بالایی برخوردار است، ولی جستار حاضر، یک رسانه عربی را به‌عنوان موضوع بحث مرتبط با حوزه خویش برگزیده‌است. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه کمتر از دیگر حوزه‌ها بوده و در تحلیل‌ها نیز کمتر از نظریه‌های زبانی بهره گرفته شده‌است. بنابراین پژوهشی که مشابه با جستار حاضر باشد، تاکنون انجام نشده و یا پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده‌است. در ادامه آثاری به سبب شباهت در روش پژوهش و یا موضوع بحث معرفی می‌شوند.

### ۲.۱. پژوهش‌ها به زبان فارسی

سرابی و بهجتی فرد (Sarabi & Behjati Fard, 2016) در مقاله «مقایسه گفت‌مان خبری سایت‌های فارسی زبان شبکه‌های عربیّه و بی‌بی‌سی مطالعه موردی اعتراضات عمومی در بحرین»، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های انواع گفت‌مان در این دو وب‌گاه، پرداخته‌اند. بر مبنای یافته‌های آن‌ها، اصلی‌ترین چارچوب سایت بی‌بی‌سی فارسی درباره بحرین، «نادیده گرفتن هویت اسلامی اعتراضات و القای تقابل و افزایش تنش بین قدرت‌های منطقه‌ای بر سر موضوع بحرین» و اصلی‌ترین چارچوب سایت العربیّه «حمایت از دولت بحرین، کم‌رنگ‌گلو جلودادن اعتراضات مخالفان و حمایت از اقدامات عربستان در قبال بحرین» بوده‌است.

پژوهش امیددی و رشیدی علوی (Omidi & Rashidi, 2017) با نام «جنگ رسانه در بحران اوکراین؛ چارچوب‌سازی تحولات سیاسی اوکراین و کریمه (۲۰۱۳-۲۰۱۵) در شبکه‌های خبری (CNN) و راشاتودی»، با روش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس معیار دوگانه‌سازی گفت‌مانی انجام پذیرفته‌است. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد شبکه خبری سی.ان.ان مسکو را پدیدآورنده اصلی بحران اوکراین قلمداد کرده‌است؛ تحولات اوکراین و کریمه را انقلاب مردمی و دمکراتیک دانسته‌است؛ و همه‌پرسی شبه‌جزیره کریمه و پیوستن آن به کشور روسیه را به‌مثابه اشغال آن

به وسیله مسکو در نظر گرفته است. این در حالی است که، شبکه خبری «راشا تودی»، بحران اکرین را نوعی شورش برانگیخته شده از سوی غرب، پیوستن کریمه به روسیه را مردم سالارانه و نقش روسیه را بی طرفانه بازنمایی کرده است.

مرتضی شمس و همکاران (Shmas et al., 2020) در اثر «نحوه پوششی خبری بحران در خبر تلوزیونی صدا و سیما»، با بهره گیری از مربع ایدئولوژیک ون دایک به بررسی نقاط ضعف و قوت پوشش پیشامد ناگوار پلاسکو توسط شبکه خبر سیما پرداخته اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده اند که رویکرد شبکه خبر دارای نقاط ضعفی چون توجه به سخت خبر در مقایسه با نرم خبر، رعایت نکردن بی طرفی و رفع مسئولیت از مسئولین مربوطه بوده و در مقابل نقاط قوتی چون برجسته سازی حادثه، نگاه محلی-ملی و بیان بدون ابهام داشته است.

مهدی زاده و همکاران (Mahdizadeh et al., 2017) در اثر «تحلیل چارچوب خبری نطق رؤسای جمهور ایران و آمریکا در مورد برجام»، با بررسی موضوع بیان شده در کانال‌های مجازی خبرگزاری‌های فارس، ایسنا، بی‌بی‌سی و بخش فارسی صدای آمریکا، چارچوب‌های ارائه خبر این خبرگزاری‌ها را تحلیل کرده و با روش تحلیل محتوای کمی به تجزیه و تحلیل رویکردهای خبری آن‌ها پرداخته اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد چارچوب‌سازی بر اساس چگونگی نمایش واقعیت، چارچوب‌سازی بر اساس محور اصلی مطالب و چارچوب‌سازی بر اساس قالب روایی خبر، ضمن اینکه عمده راهبردهای خبری این خبرگزاری‌ها را تشکیل می‌دهد، بیانگر تفاوت‌های اساسی خبررسانی در هنگام بهره‌گیری از محتوای یکسان است. به بیان دیگر تمام بنگاه‌های خبری، سیاست‌های کلان خود را در این راهبردها وارد کرده و خبر را چارچوب‌سازی می‌کنند که پیامد آن تفاوت‌های اساسی در خروجی خبرگزاری‌ها یا همان خبر ارائه شده به مخاطب است

## ۲.۲. پژوهش‌ها به زبان عربی

قاسمی نسب و همکاران (Ghasemi Nasab et al., 2020) در اثری با نام «تحلیل خطاب طلبات آمریکا المتکررة للتفاوض مع ایران فی قنوات العربیة، والجزیره، والمیادین علی أساس نظریة تنون فان دایک»، با تکیه بر نظریه تحلیل گفتمان ون دایک به بررسی بازنمایی درخواست‌های پی‌درپی آمریکا از ایران برای مذاکره در سه رسانه العربیة، الجزیره و المنار پرداخته اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد واژه‌ها و تعبیرهای به کاررفته در هر کدام از این رسانه‌ها به فراخور سیاست‌های حاکم بر آن رسانه و با استفاده از راهبردهای برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی متفاوت بوده و تأثیر مستقیمی بر نتیجه‌گیری‌های متفاوت مخاطب‌های این رسانه‌ها از

اخبار و اطلاعات یکسان دارد.

حمزه امحمد التلب و خالد ابوالقاسم غلام (Al-Thalab & Abu Al-Qasim, 2019) در مقاله «آلیات تحلیل الخطاب الإعلامي للصحف الليبية»، با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان رسانه به بررسی زبان رسانه‌ای دو روزنامه «الصباح» و «لیبیا الاخباریه» در بازنمایی تحولات لیبی در سال ۲۰۱۹ پرداختند، به این شکل که سه رویکرد پنهان‌کاری، فرار از موضوع و اسلوب بازنمایی کنشگران را شرح داده‌اند. هدف پژوهش آن‌ها، بیشتر معرفی اسلوب‌ها و روش‌های عملی راهبردهای زبانی و بلاغی در روزنامه‌نگاری لیبی بوده‌است. افزون بر آن، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بهره‌گیری از راهبردهای زبانی و بلاغی در متن‌های مطبوعاتی لیبی به‌صورت غیر مستقیم بوده و خواننده متوجه جهت‌دهی بی‌واسطه روزنامه به افکار و رویکردهای سیاسی خود نمی‌شود.

### ۳.۲. پژوهش‌ها به زبان انگلیسی

اشترومبک و شهتا (Strombeck, & Shehta, 2009) در مقاله «پیامبر سوژه کاریکاتورهای سیاسی؛ چارچوب‌بندی موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام (ص) مقایسه میان فرهنگی مطبوعات سوئد و آمریکا»، به بررسی مسأله انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در یک روزنامه دانمارکی و پیشامدهای دنباله‌روی این رویداد پرداخته‌اند. یافته‌های نویسندگان نمایانگر آن است که رویداد دارای ارزش خبری از دیدگاه این روزنامه‌ها، خود انتشار کاریکاتورها نبوده، بلکه واکنش‌های مسلمانان در ماه‌های پس از انتشار کاریکاتورها مورد توجه قرار گرفته‌است. در این راستا، روزنامه نیویورک تایمز به دنبال چارچوب‌بخشی به انتشار کاریکاتورها به عنوان راهی برای دفاع از آزادی مطبوعات بوده‌است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مورد اشاره در این است که به این مقاله کشف چارچوب بسنده نکرده‌است، بلکه با ابزار زبان‌شناسی مناسب در پی شناسایی استراتژی‌ها و تکنیک‌های خبری و تبیین شیوه کاربرد آن‌ها بوده‌است.

همچنین مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری مشابه با آن‌چه یاد شد، یافت شد که برای پرهیز از تکرار و زیاده‌نویسی، به آن‌ها اشاره نشد ولی به کوتاه سخن، پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر یا بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان بوده‌اند و یا به نوعی به چارچوب‌سازی خبر پرداخته‌اند. افزون بر این، همه این پژوهش‌ها مشابهت‌هایی با پژوهش حاضر دارند، ولی هیچ‌کدام به بررسی موضوع پروژه ایران‌هراسی با رویکرد تحلیل گفتمان رسانه و چارچوب‌سازی (گرایش چارچوب‌های زبانی بلاغی-اقتناعی) پرداخته‌اند. به بیان دیگر، نگارندگان در این پژوهش بر آنند تا نظریه‌های مورد

اشاره را از دیدگاه زبانی-ادبی بر روی متن‌های تحلیل خبری پیاده‌سازی کنیم، بر خلاف دیگر پژوهش‌ها که بیشتر به حوزه علوم رسانه نزدیک‌ترند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

زبان رسانه، با وجود انتظاری که از آن برای بازنمایی واقعیت وجود دارد، در موارد بسیاری دارای تکنیک‌هایی است که در مطالعات انتقادی و ارتباطی، بازنمایی «تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی» (Mehdi Zadeh, 2001) تعریف شده است. از دید هال (Hall, 2007) بازنمایی «استفاده از زبان برای تولید نکته‌ای معنادار درباره جهان است؛ معنا در ذات وجود ندارد، بلکه ساخته می‌شود و محصول رویه‌ای دلالتی است» (Hall, 2007, p. 3). به باور مهدی‌زاده، بازنمایی رسانه‌ای نوعی معناسازی خنثی و بی‌طرف نیست، چراکه هرگونه بازنمایی رسانه‌ای، ریشه در گفتمان و ایدئولوژی‌ای دارد که بازنمایی از آن دیدگاه انجام گرفته است. بازنمایی‌ها و معناسازی‌های رسانه‌ای، امور ذاتی نیستند، بلکه بر گفتمان و روابط قدرت دلالت می‌کنند (Mehdi Zadeh, 2001). این دخالت ایدئولوژیک از طریق استراتژی‌ها و تکنیک‌های مختلف در پرداختن یا عدم پرداختن به یک موضوع، استفاده از تصاویر یا فایل‌های ویدئویی خاص، دست‌مایه قرار دادن موضوع برای کاریکاتور یا برنامه‌های طنز، آگهی تبلیغاتی و یا هر محصول ارتباطی که کار تولید‌نماد و بیان معنا را به عهده دارد، انجام می‌شود.

### ۳.۱. نظریه چارچوب‌سازی

اصطلاح «چارچوب»<sup>۱</sup> نخستین بار به وسیله «اروینگ گافمن»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۴ میلادی، در معنای امروزی خود وارد علوم انسانی شد. گافمن، چارچوب را «طرح‌واره‌ای تفسیری دانسته که به افراد امکان می‌دهد رویدادهای فضای زندگی و در کل، جهان خود را پیدا کنند، درک کنند، تشخیص دهند و به آن‌ها نامی اختصاص دهند» (Snow, 1986, p. 464).

دوروکس،<sup>۳</sup> در تعریف چارچوب‌سازی، آن را «روند سازمان‌دادن به حقیقت از طریق طبقه‌بندی وقایع به روش‌های خاص، تأکید بیشتر بر برخی جوانب آن‌ها نسبت به بقیه و تصمیم‌گیری درباره معنای یک حادثه و چگونگی رخداد آن» دانسته است (Devereux, 2007, p. 134-137). با این تعریف، در استخراج نمونه‌های چارچوب‌سازی باید به سلسله فرآیندهایی

<sup>1</sup> Frame

<sup>2</sup> Erving Goffman

<sup>3</sup> Devereux

توجه کرد که نویسنده در تنظیم متن در سطح‌های گوناگون انجام داده‌است. وی، در ادامه حتی بازنمایی حقیقت و واقعیت را نیز از چارچوب‌سازی بی‌نیاز ندانسته و می‌نویسد «هرگونه ارائه حقیقت، حتی اگر از تعادل لازم هم برخوردار باشد، باز هم با نوعی چارچوب‌سازی همراه شده‌است. چارچوب‌سازی با انتخاب، تأکید و حذف همراه است. واژه‌هایی که روزنامه‌نگاران به کار می‌برند، ساختار روایت رویداد، واقعیت‌هایی که در ماجرا می‌گنجاند یا از آن حذف می‌کنند و مردمی که از ایشان نقل قول می‌کنند، همه به شکل دادن رویداد به صورتی خاص کمک می‌کنند» (Devereux, 2007, p.137). نکته مهمی که باید در مورد چارچوب‌سازی بدانیم این است که این پدیده امر جدید و یا کشف‌شده‌ای نیست، بلکه انسان‌ها به شکل عادی و روزمره، در هنگام روایت‌گری رخدادها، هنگام شرح امور و به‌طور کلی در ارتباطات خود با افراد همواره از سطحی از چارچوب‌سازی بهره می‌برند. به این معنا که برخی معانی و وقایع را پررنگ‌تر و برخی را گذرا روایت می‌کنند و یا حذف می‌کنند و برخی دیگر را با تعریف‌ها و واژه‌های متفاوت بازآفرینی می‌کنند. ولی اینکه چارچوب‌بندی، چگونه در بازنمایی ایدئولوژیک به کار گرفته می‌شود و عملکرد آن چگونه است؟ به گفته انتمن چارچوب‌بندی شامل دو مرحله انتخاب و تأکید است. وی چارچوب‌بندی را به معنای «انتخاب برخی جنبه‌های یک واقعیت درک‌شده و برجسته‌تر کردن آن‌ها در متن ارتباطی دانسته‌است. این تکنیک به روشی انجام می‌شود که یک تعریف خاص از مشکل، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و یا توصیه‌هایی برای حل آن را تبلیغ کند» (Entman, 1993, p. 52). تعریف انتمن از چارچوب‌سازی، در الگوهای برجسته‌سازی نمایان می‌شود. به بیان دیگر، مرحله اجرایی جانب‌داری‌های ایدئولوژیک به وسیله الگوهای مختلف برجسته‌سازی انجام می‌پذیرد. برجسته‌سازی یکی از شیوه‌هایی است که از طریق آن رسانه‌های جمعی می‌توانند بر همه مردم تأثیر بگذارند. برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوع‌هایی را که همه مردم درباره آن می‌اندیشند، تعیین می‌کنند (Sorin & Tankard, 2008, p. 353). انتمن مراحل برجسته‌سازی را شامل دو سطح می‌داند: سطح نخست، تعریف مشکل؛ سطح دوم مشتمل است بر الف) برجسته‌کردن دلیل مشکل؛ ب) تشویق به قضاوت اخلاقی و واکنش احساسی؛ ج) ارتقای سیاست مورد حمایت.

در نتیجه اجرای سیاست برجسته‌سازی، کج‌اخبارها<sup>۱</sup> به وجود می‌آیند. همسو با تعریف انتمن، کج‌اخبار به اخبار، گزارش‌ها و سرمقاله‌هایی موردی گفته می‌شود که در آن، چارچوب‌گذاری رسانه، از کشمکش سیاسی موجود یا بالقوه جانب‌داری می‌کند (Entman, 2007, p. 165). اگر

<sup>1</sup> fake news



الگوهای کج‌اخبار پیوسته، در ابعاد مختلف پیام و خروجی رسانه باقی بمانند، به این معنا است که امکان دارد رسانه‌ها به‌طور نظام‌مند، به کمک نهادهای خاص بیایند تا دیگران را وادار به انجام رفتارهای مطلوب خود کنند. به بیان دیگر، رسانه می‌تواند در توزیع قدرت سیاسی به گروه‌های خاص، جنبش‌ها و اشخاص کمک کند (همان، ۱۶۶). در این بخش، برای تبیین الگوهای زبانی متون العربیه از مربع ایدئولوژیک<sup>۱</sup> وندایک بهره گرفته می‌شود که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

### ۳.۲. مربع ایدئولوژیک وندایک

وندایک دسته‌بندی‌هایی برای تحلیل سطح‌های مختلف نقش ایدئولوژی در گفتمان ارائه داده که در سطح کلان از آن با نام مربع ایدئولوژیک یاد می‌شود. به نوشته وندایک، این سطح در حقیقت سطحی انتزاعی است که با استفاده از آن به توصیف و تحلیل ارتباط بین گروه‌ها و کنشگران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در یک جامعه با در نظر گرفتن مفاهیم فرازبانی همچون ایدئولوژی، سیاست، قدرت و سلطه در گفتمان پرداخته می‌شود (Van Dijk, 2005, p. 31). در سطح کلان چهار اصل مهم وجود دارد: یک- تقویت و تأکید بر اعمال و ویژگی‌های مثبت گروه خودی؛ دو- تضعیف اعمال و ویژگی‌های مثبت گروه غیر خودی؛ سه- تضعیف و عدم تأکید بر کنش‌ها و ویژگی‌های منفی گروه خودی؛ چهار- تقویت و تأکید بر کنش‌ها و ویژگی‌های منفی گروه غیر خودی.

مربع ایدئولوژیک پیش‌بینی می‌کند که بیگانگان از هر نوعی بازنمودی منفی داشته و خودی‌ها همیشه بازنمودی مثبت دارند. این کار بر مبنای تأکید و برجسته‌سازی ویژگی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها و ناچیزانگاشتن ویژگی‌ها و فعالیت‌های مثبت آن‌ها، انجام می‌شود. بر عکس ویژگی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مثبت خودی‌ها، برجسته شده و خصوصیات و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها کم‌رنگ می‌شوند. این مربع ایدئولوژیکی در همه ابعاد زبانی یک متن، قابل مشاهده است. برای نمونه، اصطلاح‌ها و تعبیرهای مثبت برای ارجاع به خود به کار رفته و تعبیرات و اصطلاحات منفی برای ارجاع به دیگران به کار گرفته می‌شوند (Richardson, 2007, p. 51). اکنون، با روشن شدن مفاهیم بنیایی پژوهش، با استناد به نمونه‌ها، فرآیند تولید متن در خبرگزاری العربیه مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا روشن شود کدام راهبردهای زبانی نزد نویسندگان مطالب این وب‌گاه به کار گرفته می‌شود و کیفیت به‌کارگیری آن‌ها چگونه است.

<sup>1</sup> ideological square

با توجه به آن‌چه در شرح نظریه چارچوب‌سازی انتمن و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک گفته شد، در ادامه و در تحلیل و بررسی متن‌ها، ابتدا راهبردهای زبانی موجود در متن با به‌کارگیری نظریه انتمن مشخص و تحلیل و بررسی خواهد شد و پس از آن جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک متن از دید مربع ایدئولوژیک ون‌دایک بررسی می‌شود.

باید توجه داشت که نظریه‌های چارچوب‌سازی انتمن و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک ضمن اینکه هر کدام بخشی از لایه‌های خبر را مورد توجه قرار داده و بر آن تأکید می‌کنند و به‌نوعی مکمل هم‌دیگر هستند ولی دو نظریه جدا هستند که در یک زمینه مشترک، جنبه‌های مختلف موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند.

#### ۴. بحث و بررسی

چارچوب‌های شبکه خبری العربیه که نمود آن‌ها در شیوه‌خبرنویسی و تحلیل‌های به‌چاپ‌رسیده در وب‌گاه آن هم دیده می‌شود، به‌طور کلی مبتنی بر چند چارچوب‌بندی اصلی است که در ادامه، چگونگی پردازش آن‌ها با تکیه بر راهبردهای زبانی ون‌دایک، تحلیل شده‌است:

#### ۴. ۱. راهبردهای زبانی

##### ۴. ۱. ۱. همدلی

خلال العقود الأربعة الماضية التي هيمنت فيها الأيديولوجيا الخمينية على هياكل الدولة الإيرانية، ظهر جيل جديد من «خبراء الشأن الإيراني» في الأوساط الأكاديمية والإعلامية الغربية. رأى غالبية «خبراء الشأن الإيراني» القدامى في إيران حضارةً مجيدةً لكنها ميتة منذ زمن طويل تتسم بالتسامح الديني والتنوع العرقي والحب الدائم للإبداع الفني. أولئك الذين ركزوا على قصة إيران بعد ظهور الإسلام اعترفوا بالملكيّة والمؤسّسة الدينيّة الشيعيّة التي لعبت أدواراً مكملّة في المجتمع الإيراني خلال الصراع في بعض الأحيان (Taheri, 2021).

ترجمه: طی چهار دهه گذشته که ایدئولوژی خمینی بر ساختارهای دولتی ایران مسلط بود، نسل جدیدی از «کارشناسان موضوع ایران» در انجمن‌های دانشگاهی و رسانه‌های غرب پدیدار شدند. بیشتر این «متخصصان با سابقه موضوع ایران» تمدن ایران را تمدنی باشکوه ولی مرده می‌دانستند، که از ویژگی‌های آن تسامح مذهبی، تنوع قومیتی و عشق پایدار به خلاقیت هنری بود. افرادی که در زمینه تاریخ ایران پس از ظهور اسلام مطالعه داشته‌اند، سلطنت و تشکیلات مذهبی شیعه را به رسمیت شناختند که در زمان درگیری‌ها نقش مکمل را در جامعه ایران ایفا می‌کرد. در این پاره گفته، نویسنده برای معرفی تمدن و فرهنگ ایران در چارچوب «یک فرهنگ و

تمدن در حال افول و سقوط» از راهبرد اصلی «همدلی» بهره می‌گیرد. به نوشته ون‌دایک، در کاربرد این راهبرد، «نویسنده بر ضرورت وحدت و انسجام درون گروهی تأکید می‌کند تا مخاطب به همدلی با آن مجموعه بپردازد» (Van Dijk, 2015, p. 45). نویسنده از همان ابتدا تمدن باشکوه ایران را مرتبط با قرن‌های گذشته دانسته و ضمن اینکه افول آن را مفروض و غیر قابل بحث می‌داند، به شکل غیر مستقیم نظام کنونی را عهده‌دار این افول و سقوط می‌داند. وی همچنین از راهبرد پیش‌فرض بهره می‌برد که در نمونه‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد. همچنین، در این نوشته، نویسنده از عبارت «حضاره مجیده و لکنها مینه» (تمدن باشکوه ولی مرده) بهره می‌گیرد که بهره‌گیری از صنعت بلاغی تضاد در آن آشکار است. برجسته‌سازی جنبه‌های منفی دیگری در مربع ایدئولوژیک با استفاده از واژه‌های **هیمنه**، **ایدیولوجیا** و **هیاکل** انجام شده که از جنبه بلاغی تصویرگر فضای سیطره و سلطه زورمدارانه همراه با رعب و وحشت است. ارجاع به کارشناسان، دیگر راهبرد فرعی این متن است که به نوعی استناد علمی آن است. بنابراین، ترسیم چهره‌ای خطرناک، منفی و سیاه از فرهنگ ایرانی حال حاضر و انقلاب و رهبری ایران از دستاوردها و تأثیرات این متن بر خواننده است.

#### ۴. ۱. ۲. پیش‌فرض

ابراهیم رئیسی، رئیس السلطة القضائية، والرجل الذی من المقرر أن يجعل إيران أكثر تحفظاً وفقراً وعدوانية و تهمة، فاز في الانتخابات بأقل نسبة مشاركة في تاريخ النظام. فعل المرشد علی خامنه‌ای کل ما فی وسعه لضمان وضع الرئاسة فی أیدی المحافظین الرئیسیین، لکن لیس سرّاً أن رئیسی لیس بالضبط المفضل لدی الجمیع (Al-Husseini, 2021).

ترجمه: ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه و مردی که قرار است ایران را محافظه‌کارتر، فقیرتر، متجاوزتر و به حاشیه رانده‌تر کند، با کمترین میزان مشارکت در تاریخ انتخابات نظام پیروز شد. علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب، همه تلاش خود را به کار گرفت تا ریاست جمهوری در دست محافظه‌کاران اصلی قرار گیرد، ولی بر کسی پوشیده نیست که رئیسی دقیقاً مورد علاقه همه نیست. چارچوب مدنظر العربیه در این نمونه، «بدتر شدن اوضاع با حضور رئیس جمهور جدید و دخالت رهبری در انتخابات» است. به این منظور، از تکنیک «پیش‌فرض»<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است. در این تکنیک معنایی ویژه، اطلاعاتی که در کل، به هیچ وجه مشترک یا پذیرفته نیستند، از پیش بدیهی دانسته می‌شوند (Van Dijk, 2015, p. 67). به این شکل که پردازش کلام درباره

<sup>1</sup> presupposition

انتخابات ایران و مشروعیت و آزادبودن آن، به گونه‌ای انجام گرفته که مخاطب نتیجه می‌گیرد نظام ایران پیروزی (به تعبیر العربیّه) محافظه‌کاران و تندروها را از پیش برنامه‌ریزی کرده است. نتیجه آن پیروزی آقای رئیسی بوده و در نهایت اوضاع ایران بدتر شده و کشور به انزوا خواهد رفت، در نهایت به اختلافات درونی اشاره کرده و رئیس‌جمهور را گزینه مورد قبول تمام اجزای حاکمیت نمی‌داند. به بیان دیگر، چینش مطلب به گونه‌ای است که مخاطب صدق گزارهٔ پیش‌فرض (انتخابات فرمایشی و بدتر شدن اوضاع) را مسلم بداند. نویسنده با برداشتن تکه‌هایی از حقیقت و مبنا قرار دادن آن (حضور کمتر مردم در انتخابات نسبت به دوره‌های پیشین) و نادیده‌انگاری عامل‌های دیگر، یافته‌های دلخواه خود را به دست می‌آورد که این نیز تکنیکی اقناعی (حجاجی) است. از جنبهٔ بلاغی و زبانی بهره‌گیری از واژه‌های (تحفظ، فقر، عداوتیّه و تهمیش) نماینده ضلع سوم مربع ایدئولوژیک یعنی سیاه‌نمایی و پررنگ کردن نقاط منفی طرف مقابل است.

#### ۴. ۱. ۳. قطبی‌سازی

إن ما تفعله دولة المملالی فی منطقتنا لیس جدیداً، إذ ما انفکت تحاول إحياء تاریخ طویل من حربها علی العرب، ومن ذلك سعيها الدؤوب إلى تسييس الحجّ وتحويله من طقس دینی جامع للمسلمین فی أصقاع الأرض كافة إلى ساحة حرب تشهر فیها أقدر ما لديها من أسلحة وأعوان، فذلك اعتقاد متأصل فی عقولهم ونفوسهم منذ أزمان (Al-Quneir, 2021).

ترجمه: آن‌چه حکومت آخوندها در منطقه ما انجام می‌دهد چیز جدیدی نیست، زیرا تلاش می‌کند تا تاریخ طولانی جنگ خود علیه عرب‌ها را احیا کند، از جمله تلاش بی‌وقفه خود برای سیاسی کردن حج و تبدیل آن از یک مراسم مذهبی که مسلمانان را از همه جای دنیا گرد هم می‌آورد، به میدان جنگی که کثیف‌ترین سلاح‌ها و عوامل خود را در آن به کار گیرد، این باور از زمان‌های بسیار قدیم در ذهن و روح آن‌ها ریشه دارد.

این نمونه، بر اساس چارچوب «ضدیت نظام ولایت فقیه با عرب‌ها و اسلام و تلاش تاریخی برای تخریب و نابودی آن‌ها» ابتدا با تکیه بر استراتژی قطبی‌سازی<sup>۱</sup> عبارات «دوله المملالی، حربها علی العرب، تسييس الحج» را در بازنمایی ایران به کار برده، سپس با استفاده از تکنیک بزرگ‌نمایی، درخواست ایران و برخی دیگر از کشورها را (در این جا دیگر کشورها را حذف و ایران را برجسته‌سازی کرده) به سیاسی‌سازی حج تعبیر کرده‌است. در فرآیند قطبی‌سازی که ون‌دایک دسته‌بندی مردم به درون‌گروه و برون‌گروه را شناخته‌شده‌ترین شکل آن دانسته‌است، بین

<sup>1</sup> polarization

عرب‌ها و مسلمانان و نظام سیاسی ایران شکاف ایجاد شده‌است. مخاطب این چنین دریافت می‌کند که تقابل این دو قطب به گونه‌ای است که پذیرش هر دو در کنار هم هرگز امکان‌پذیر نخواهد بود. ون‌دایک می‌نویسد «قطبی‌سازی وقتی به صورت تضاد آشکار بیان شود می‌تواند بار بلاغی بالایی پیدا کند و این کار از طریق نسبت دادن ویژگی‌هایی به ما (خودی) و آنها (غیر خودی) که از جنبه معاشناختی متضاد هستند، انجام می‌پذیرد. نویسنده می‌کوشد دو قطب و جبهه مخالف را برای مخاطب به تصویر بکشد. به بیان دیگر، در جهت طبقه‌بندی و تفکیک بین گروه خودی و غیر خودی حرکت می‌کند» (Van Dijk, 2015, p. 11).

#### ۴.۱. ۴. صورت‌های ضد واقع‌گرا

تزداد الإشارات إلى أن منطقة الشرق الأوسط والخليج تبدو مقبلة على أحداث كبيرة في ظل إصرار إيران على لعب دور يفوق حجمها والذهاب بعيداً في لعبة التصعيد (Khairallah, 2021). ترجمه: با توجه به پافشاری ایران بر ایفای نقشی فراتر از اندازه خود و پیش‌روی بیش از اندازه در بازی تشدید تنش، نشانه‌های روزافزون نمایانگر آن است که خاورمیانه و منطقه خلیج [فارس] در آستانه رویدادهای بزرگی قرار دارند.

چارچوب مورد نظر در این متن «معرفی ایران هسته‌ای به عنوان خطر بزرگ برای صلح و امنیت منطقه» است. استراتژی العربیه برای این کار، به کارگیری تکنیک «صورت‌های ضد واقع‌گرا» است. در این راهبرد، «گوینده/نویسنده، مخاطب‌های خود را در ارتباط با رویدادهای نامعقول و نامناسب با استدلال هوشیار می‌کند. این استراتژی استدلالی، اغلب در قالب ساخت‌های زبانی نظیر «چه اتفاقی می‌افتد اگر...» نمایانده می‌شود» (Van Dijk, 2015, p. 26). ساخت زبانی نمونه بالا نیز چنین معنایی را منتقل می‌کند: چه اتفاقی می‌افتد اگر کنشگری ایران در منطقه تقویت شود؟ پاسخ در متن موجود است:

منطقه خاورمیانه و خلیج [فارس] با حوادث بزرگ و تغییرات گسترده‌ای روبه‌رو خواهد شد. بهره‌گیری از واژه‌های مبهم و دارای بار ترس و دلهره (ترهیب)، عدم قطعیت و مشخص بودن مرحله پیش‌رو و مشخص نبودن اینکه رخدادها و تغییرات پیش‌رو دقیقاً چه ماهیتی دارند و فاعل این رخدادها کیست؟، همگی دقیقاً بهره‌گیری از ظرفیت بلاغی و اقناعی داژه‌ها در راستای راهبرد اصلی نویسنده که ایران‌هراسی بوده، هستند. شیطان‌سازی از ایران (الشیطنه<sup>۱</sup>) دیگری در مقابل بیگانه‌ی و عدم کنشگری ساکنان منطقه خلیج فارس نیز دو ضلع از اضلاع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک مبنی بر پررنگ‌سازی

<sup>1</sup> demonization

جنبه‌های منفی دیگری و پررنگ سازی نقاط مثبت خودی است.

#### ۴. ۱. ۵. مثال آوردن

المنطق الإيراني في العراق شهدنا نماذج له في أماكن أخرى، إذ لا قيمةً للانتخابات إذا كانت نتائجها لا تلائم الأهداف الإيرانية، والأولوية في العراق كما في أمكنة مشابهة للتحريض المذهبي، وإيران تقولها صراحة: البيت الشيعي يجب توحيد، مع أن الضربة التي تلقّتها جاءت من هذا البيت تحديداً الذي أرقه نظام الميليشيا والفساد (Francis, 2021).

ترجمه: نمونه‌هایی از منطق ایرانیان در عراق را در جاهای دیگر دیده‌ایم، چراکه اگر نتایج انتخابات با اهداف ایران همخوانی نداشته باشد، ارزشی ندارد و اولویت در عراق مانند جاهای مشابه دیگر تحریک و فتنه‌گری فرقه‌ای است. ایران آشکارا می‌گوید: بیت شیعی (شیعیان) باید متحد باشند، گرچه ضربه‌ای که متحمل شده‌است، دقیقاً از همین بیتی است که رژیم شبه‌نظامی و فاسد، آن را از پا درآورده‌است.

چارچوب مورد نظر العربیه در این نمونه، «دخالت‌های ایران در منطقه و ایفای نقش مخرب در کشورهای مختلف آن» است. در بخش ابتدایی، از دولت ایران به‌عنوان قدرتی معرفی شده‌است که در امور داخلی کشورها دخالت‌های مخرب کرده و ساختارهای سیاسی آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، چنین بازنمایی با استفاده از استراتژی زبانی «مثال آوردن»<sup>۱</sup> انجام گرفته‌است. در این تکنیک برای عینی کردن جزئیات یک موضوع، نمونه‌هایی جانب‌دارانه درباره آن آورده می‌شود (Van Dijk, 2015, p. 70). العربیه برای اثبات ادعای خویش افزون بر بهره‌گیری از شگرد وارونه‌سازی حقایق (اصطلاح انگلیسی) همکاری‌ها و مقبولیت و ارتباطات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی ایران با عراق را دخالت و تخریب تعبیر کرده‌است. همچنین العربیه، با بهره‌گیری از واژه‌های (التحريض المذهبي، إرهاب البيت الشيعي، ميليشيا الفساد) چهره‌ای ستیزه‌جو، توسعه‌طلب و ناخیرخواه برای منطقه را به تصویر کشیده‌است، از جنبه بلاغی ترکیب إرهاب البيت الشيعي افزون بر بهره‌گیری هنرمندانه از استعاره مکینه تبعیه بار عاطفی ویژه‌ای را به همراه دارد. این امر سبب می‌شود مخاطب شیعه مذهب و تا اندازه‌ای همگرا نیز دین و مذهب خود را (که برایش بسیار مهم است) در خطر فدای سیاست‌های مخرب‌شدن ببیند. نویسنده در عین حال نمونه خود را تعمیم و تسری داده و سیاست دخالت و تخریب را راهبرد منطقه‌ای ایران دانسته‌است.

<sup>1</sup> example

#### ۴. ۱. ۶. فاصله‌گذاری

فیما تستمر قضیه الطائرۃ الأوکرائیۃ التي أسقطت فی ایران، دون معاقبه ومحاکمه علنیۃ تشفی غلیل أهالی الضحایا، أعلن هؤلاء عن تحرك مزع بالتزامن مع تنصیب الرئیس ایرانیّ الجدید إبراهيم رئیسی فی أغسطس المقبل (Al Arabiya Net Correspondents, 2021).

ترجمه: در حالی که پرونده هواپیمای اوکراینی سرنگون شده در ایران، بدون مجازات و محاکمه علنی که آرام‌بخش داغ دل‌های خانواده قربانیان شود ادامه دارد، آن‌ها از اقدامی برنامه‌ریزی شده همزمان با مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور جدید ایران در آگوست پیش‌رو خبر دادند.

اجرا نکردن عدالت در موضوع هواپیمای اوکراینی و ظلم به خانواده‌های قربانیان<sup>۱</sup> چارچوب تعیین شده برای نمونه حاضر است. العریبه برای پردازش زبانی این چارچوب، از تکنیک «فاصله‌گذاری» بهره گرفته است. ون‌دایک تضاد منافع گروه‌های مختلف را عامل استفاده از فاصله‌گذاری می‌داند که با توجه به مربع ایدئولوژیک به‌عنوان راهبرد کلی متن، به‌صورت «استفاده از ضمایر شناخته شده ما و آن‌ها» تحقق می‌یابد (Van Dijk, 2015, p. 70). نویسنده با به‌کارگیری صورت‌های زبانی و مرزبندی میان آن‌ها، در پی نشان‌دادن دو گروه و یا دو حزب مخالف است. العریبه تکنیک فاصله‌گذاری را در این نمونه با استفاده از اشاره مستقیم به طرفین انجام داده است. خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی در یک سو و نظام ایران و قوه قضائیه در سوی دیگر قرار دارند. این رسانه، ضمن اینکه دلیلی بر مدّعی خویش ارائه نداده و ابعاد دیگر پرونده هواپیمای اوکراینی را نادیده انگاشته و حذف می‌کند و مخاطب را در معرض این تلقی و ایده قرار می‌دهد که نظام، قربانیان را آگاهانه از بین برده و اکنون هیچ‌امیدی به امکان اجرای عدالت در مورد آن‌ها نیست. العریبه با فرافکنی این معنا را دوباره مورد تأکید قرار داده که امکان جمع بین مصلحت طرفین وجود ندارد. خانواده‌های قربانیان برای مخاطبان العریبه گروه خودی هستند و دستگاه قضایی ایران به‌عنوان کنشگر غیر خودی مطابق مربع ایدئولوژیک ون‌دایک، نقش منفی و مخرب به عهده دارد. در همین راستا، بهره‌گیری از نام رئیس‌جمهور جدید که از قضا رئیس‌پیشین دستگاه قضایی نیز هست (و از دید العریبه عدالت را در این پرونده اجرا نکرد)، کاملاً تعمّدی بوده و با هدف تداعی بی‌نتیجه‌بودن مراجعه به نهادهای رسمی برای اجرای حق و فراخواندن به بست‌نشینی و اعتراض است.

<sup>1</sup> distancing

#### ۴. ۱. ۷. هم‌معنایی

كان يجب وضع حد لكل هذا «التوغّل» الإيراني في هذا البلد العربيّ الذي اتخذ ولا يزال يتخذ الطابع الإلحاقی والاحتلالی في العديد من الدول العربيّة، وكما عليه واقع الحال في العراق، الذي يشكل «الحشد الشعبي» فيه جيشاً إيرانياً يتفوق على الجيش العراقيّ (Al-Qalab, 2021).

ترجمه: لازم بود به این همه «نفوذ و پیشروی» ایران در این کشور عربی پایان داده شود، نفوذی که در بسیاری از کشورهای عربی خصلت الحاق و اشغال به خود گرفته و همچنان ادامه دارد، همان‌گونه که در عراق «حشد شعبی» ارتشی ایرانی را تشکیل می‌دهد که از جنبهٔ عده و عدهٔ برتر از ارتش عراق است.

نفوذ مخرب، دخالت نظامی و فراتر از این‌ها اشغال کشورهای عربی و تضعیف نهادهای حاکمیتی چارچوب مورد نظر نویسنده در این متن است. به این منظور، استراتژی قطبی‌سازی توسط العربیه به کار گرفته شده که ایران و گروه‌های هم‌گرا با ایران در کشورهای عربی به‌عنوان کنشگر غیر خودی در قطب منفی و کشورهای عربی، دولت‌ها و ارتش‌های آن‌ها به‌عنوان کنشگر خودی و مدافع منافع ملت‌های عرب، در قطب مثبت قرار دارد. در این تکنیک نویسنده/گوینده می‌کوشد دو قطب و جبههٔ مخالف را برای مخاطب به تصویر بکشد. به بیان دیگر، برای طبقه‌بندی و تفکیک بین گروه خودی و غیر خودی حرکت می‌کند. العربیه، متن را با اشاره به اقدام‌ها و کنشگری منفی ایران آغاز کرده‌است. سپس، برای به دست آوردن همراهی مخاطب، ضمن تفصیل مطالبی که به نفع ایران نیست، از تکنیک زبانی «هم‌معنایی»<sup>۱</sup> بهره‌جسته‌است. به باور ون‌دایک «این استراتژی به‌معنای بهره‌گیری از عباراتی است که کم و بیش ولی نه کاملاً معنای یکسان دارند اما با واژه‌های مختلف صورت‌بندی شده‌اند. گاهی نویسنده/گوینده از این ترفند برای تأکید بر مفهوم و معنی خاص بهره می‌گیرد». (Van Dijk, 2015, p. 69). واژگان هم‌معنا در نمونه مورد بررسی از این قرارند: «التوغّل، الإلحاق، الاحتلال، التفوق». این واژه‌ها همه با هم و در کنار هم تشکیل تصویری مرکب و انتزاعی از نفوذ، ویرانگری، تجاوز و هیمنه را می‌دهد و بار تصویرسازی واژگانی در کنار هم‌معنایی واژه‌های ترس و دلهره از نقش مخرب ایران را هرچه بیشتر در ذهن‌های مخاطبان پمپاژ می‌کند.

#### ۴. ۱. ۸. تشبیه

ولقد شجعت الثورة الإيرانية الحركات الراديكالية في العالم الإسلامي على الاستيقاظ وإثارة

<sup>1</sup> synonymy



المشاكل وحشد التنظيمات في محاولة لتغيير واقع المنطقة بالكامل، برغم الخلاف الظاهري بين أهل السنة وبين أتباع المذهب الشيعي، ولقد قدمت أحداث أفغانستان الأخيرة الجانب الآخر للدولة الإسلامية المتشددة (طالبان) بجوار إيران مع اختلاف طفيف من حيث المذهب الديني السني السائد في ربوع أفغانستان (Al-Feki, 2021).

ترجمه: انقلاب ایران جنبش‌های تندرو در جهان اسلام را تشویق به بیداری، دامن‌زدن به مشکلات و بسیج سازمان‌ها برای تلاش برای تغییر معادلات کل منطقه کرد. با وجود اختلاف نظر ظاهری بین اهل سنت و پیروان مذهب شیعه، رویدادهای اخیر در افغانستان، روی دیگر دولت تندروی اسلامی را در کنار ایران قرار داد، البته با اندکی تفاوت از نظر مذهب اهل سنت رایج در افغانستان.

نمونه حاضر بر اساس این چارچوب تنظیم شده که ایران مادر تمام جنبش‌های تروریستی و تندروانه حتی جنبش‌های سنی مذهب همچون طالبان، داعش و القاعده است. به این منظور، العربیه از دو تکنیک تشبیه<sup>۱</sup> و صورت‌های ضد واقع‌گرا در کنار هم بهره گرفته است. به نوشته ون‌دایک، تشبیه عبارت از «به‌کارگیری واژه یا عبارتی ویژه است که طی آن معنا به صورت قیاس یک مورد با مورد دیگر با در نظر گرفتن وجه اشتراک‌شان مورد مقایسه قرار می‌گیرد» (Van Dijk, 2015, p. 99). همین فرایند در نمونه حاضر رخ داده است به این شکل که ابتدا ایران به عنوان منبع الهام طالبان و القاعده (مرحله معرفی طرفین تشبیه) معرفی شده است. العربیه معتقد است با چیرگی و جای‌گیری طالبان در افغانستان، امری خطرناک و نامطلوب در منطقه رخ خواهد داد و آن قرار گرفتن دو حکومت تندروی مذهبی (هر چند با مذهب‌های متفاوت) در کنار هم و در نتیجه تشدید افراط‌گرایی دینی در منطقه است. از این نقطه، استراتژی دوم العربیه آشکار می‌شود. یعنی به کار بردن قاعده «اگر... شود، چه اتفاقی می‌افتد...». در صورت چیرگی و جای‌گیری طالبان، آن‌گاه لزوم برخورد با تندروی که منبع آن ایران است، ضروری به نظر می‌رسد. این جا است که نقش عربستان به عنوان کنشگر خودی و پیشگام این جبهه بازنمایی شده است.

#### ۴.۱.۹. دراماتیزه شدن

الأمر لا تنفك عن بعضها، والكل يعلم ما جرى ويجري هذه الأيام لدى الجار الشرقي لإيران، ونعلم تماماً من هم الحكام الجدد، لا تخفي الصورة على عاقل، لكن تخيل هذا الغرب التائه، بقيادة واشنطن البائدة، كيف سيتخلى عن المنطقة، مثلما حكمت صور جیشه في كابل بتلك المناظر التي

<sup>1</sup> simile

ستظلّ خالدۀ فی التاريخ الحديث، تخيله بهذه الفوضویة والاستهتار فی التعامل مع منطقتنا ومع ایران النوویة، والتي هی خطرۀ أصلاً من دون سلاح نووی فكيف به؟ (Al-Dhaidi, 2021)

ترجمه: همه چیز به هم مرتبط است و همه می‌دانند که این روزها بر همسایه شرقی ایران چه گذشت و چه می‌گذرد و ما دقیقاً می‌دانیم که حاکمان جدید چه کسانی هستند. تصویر کلی منطقه بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. ولی به این غرب گم گشته به رهبری بایدنی واشنگتن نگاه کن، چگونه منطقه را رها کرده، همان‌گونه که تصاویر ارتشش در کابل با آن صحنه‌هایی که در تاریخ معاصر جاودانه خواهد ماند، گویای همه چیز است. منطقه را با این همه هرج و مرج و بی‌پروایی و با وجود ایران هسته‌ای تصوّر کنید! که به خودی خود بدون سلاح هسته‌ای خطرناک است، پس با سلاح هسته‌ای چطور؟

چارچوب خبری مورد نظر العربیه فراگیر شدن آشوب و تنش افسارگسیخته در منطقه در صورت خروج آمریکا و قدرت‌گیری ایران است. استراتژی به کار گرفته شده در این گزارش همان‌گونه که از متن بر می‌آید، اغراق<sup>۱</sup> و برجسته‌سازی است. «اغراق یا بزرگ‌نمایی واقعیت به فرآیندی گفته می‌شود که با به کار بردن واژه یا پاره گفته خاص، موضوع یا مفهومی بیش از اندازه و استحقاق واقعی آن بزرگ جلوه داده شود» (Van Dijk, 2015, p. 100).

گزارش العربیه به گونه‌ای نگارش یافته که گویی سراسر منطقه با همه مناطقش در تب و تاب و جنگ و خونریزی به سر برده و ایران در همه آن‌ها دست دارد. نویسنده منطقه را بدون حضور نیروهای نظامی آمریکایی وحشتناک و غیر قابل تصور می‌داند. در ادامه، العربیه استراتژی «دراماتیزه‌شدگی»<sup>۲</sup> را به کار گرفته است. به باور ون‌دایک، مطرح کردن یک مسأله سیاسی با به کارگیری واژه‌های عاطفی که مخاطب را تحت تأثیر احساسات قرار دهد، دراماتیزه‌شدگی نام دارد (VanDijk, 2015, p. 102). سراسر گزارش العربیه که بخش کوچکی از آن در این جستار آورده شد، از لحنی بهره گرفته که احساسات مخاطب را هدف قرار می‌دهد: «تنش افسارگسیخته، می‌دانیم حاکمان جدید چه کسانی هستند! هرج و مرج، تصاویر فرار سربازان آمریکایی از کابل و...». این گونه جمله‌ها، روان و ذهن مخاطب را هدف قرار داده و هم‌دلی او را با آن‌چه مدنظر نویسنده یا گوینده است، بر می‌انگیزاند.

#### ۴. ۱. ۱۰. آشکارسازی

باختصار غیر محلّ یمكن القطع بأن الإیرانیین يتلاعبون بالمعسكر الغربی كما يتلاعب المرء بحبّات

<sup>1</sup> hyperbole

<sup>2</sup> dramatization

مسبحته، فقد را کمت طهران امکانات تستخدم اليوم في نواح عديدة للضغط بشكل أساسي على الولايات المتحدة من أجل إعادتها إلى الاتفاق النووي (Amin, 2021).

ترجمه: به شکل مختصر و مفید، مطمئنیم که ایرانی‌ها اردوگاه غرب را بازی داده و می‌دهند، همان گونه که شخصی با دانه‌های تسیحش بازی می‌کند؛ به این معنا که ایران همه امکانات خود را در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته‌است تا به آمریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای فشار بیاورد.

العربیة در این نمونه ایران را در چارچوب «کشوری غیر قابل اعتماد و غیر مناسب برای گفت‌وگو بازنمایی کرده و برای پیاده‌سازی چارچوب بیان‌شده، تکنیک زبانی «آشکارسازی»<sup>۱</sup> را به کار گرفته‌است. در این راهبرد، «گوینده/نویسنده با بیان مستقیم آنچه درون عبارت پنهان شده‌است به آشکار کردن و پررنگ کردن مطلب می‌پردازد» (Van Dijk, 2015, p.105). آنچه العربیة سعی در پررنگ کردن و بیان مصادیقش دارد عبارت «التلاعب» است. همه مطالبی که پس از این پاره گفته آمده، به درازا کشیدن کلام برای آشکارسازی سوگان ماجراست. نکته دیگر آنکه در بیان مصادیق، نمونه‌هایی برای تقویت گزاره مورد نظر بیان شده که همگی از جنس بُهتان هستند. برداشت‌های مخاطب از آن‌ها به شرح زیر است: ایران کشوری غیر قابل اعتماد است، برای مذاکره مناسب و قابل اعتماد نیست و هدفش از مذاکره خرید وقت و تقویت خود برای رسیدن به هدف‌های نامشروع خود است. العربیة تغییر رفتار ایران را به معنای ایجاد تغییر در این مصداق‌ها تعبیر کرده‌است.

#### ۴. ۱. ۱۱. انکار و مقایسه

صرح رئيسی بأن «بذل الجهود والمساعدة من جانب إيران وفرنسا وحزب الله من أجل تأليف حكومة لبنانية قوية، يمكن أن يكون لمصلحة لبنان»، و بات تصريح رئيسی هذا بمثابة كلمة السر المفتاحية لتشكيل الحكومة. والمتفحص في كلمة السر هذه يجد بأنها تضمنت ثلاثة قوى هما دولتي إيران وفرنسا ودولة حزب الله. لقد تعمّد رئيسی تطهير حزب الله بمظهر دولة متكاملة الأركان، وهو تطهير متشابه مع تغوّل عبداللهيان البروتوكولي في قمة بغداد (Shandab, 2021).

ترجمه: رئيسی بیان کرد: «تلاش‌ها و رایزنی‌های ایران، فرانسه و حزب‌الله برای تشکیل یک دولت مقتدر در لبنان می‌تواند به نفع لبنان باشد» این سخن کلید واژه و اسم رمز تشکیل دولت است. کسی که این رمز عبور را بررسی می‌کند متوجه می‌شود که شامل سه قدرت ایران، فرانسه و حزب‌الله است. رئيسی عمداً حزب‌الله را به مثابه یک کشور واحد عنوان کرده‌است، اقدامی شبیه به

<sup>1</sup> explicit

گردن‌کشی عبداللّه‌یان نسبت به پروتکل‌ها در نشست بغداد.

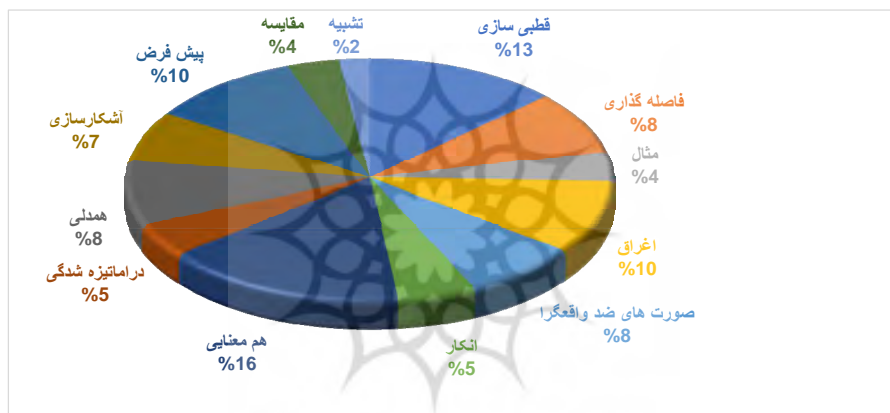
به رسمیت‌نشناختن لبنان و قراردادن حزب‌الله به‌جای آن و بی‌احترامی به عهدنامه‌ها و قوانین جامعه بین‌الملل، چارچوب دیگری است که العربیه در بازنمایی سیاست‌های ایران مورد نظر دارد. استراتژی زبانی به‌کار گرفته‌شده برای این چارچوب، «انکار»<sup>۱</sup> است. به نوشته ون‌دایک، نویسنده/گوینده این استراتژی را با هدف سیاه‌نمایی گروه غیر خودی به‌کار می‌گیرد. ون‌دایک درباره این نوع ساخت گفتمانی می‌نویسد: «تحقق آن در متن به‌صورت نفی مفهومی است که در وهله نخست به‌عنوان صورتی از خودنمودی مثبت یا حفظ ظاهر به‌کار می‌رود. گوینده/نویسنده پس از بیان یک حقیقت با به‌کارگیری رابطه تضاد به تکذیب همان مطلب در ارتباط با برون‌گروهی می‌پردازد» (Van Dijk, 2015, p. 71). العربیه ابتدا در نقل‌خبر به تماس تلفنی دو رئیس‌جمهور و رایزنی آن‌ها پیرامون لبنان اشاره می‌کند. سپس با انکار و تحریف جنبه‌های مختلف و حقایق میدانی-سیاسی منطقه، همه آن‌ها را انکار کرده و ادعا دارد ایران، حزب‌الله را به‌جای دولت لبنان شایسته‌تعامل و رایزنی بین‌الملل می‌داند، دولتی که در عمل هنوز تشکیل نشده و وجود خارجی ندارد و این گروه‌های سیاسی هستند که در لبنان کنشگری دارند که ایران با همه آن‌ها نیز تعامل دارد. از سوی دیگر نویسنده همه اقدام‌های مثبت ایران در لبنان از جمله کمک‌های نظامی، اقتصادی، رساندن سوخت و حمایت‌های سیاسی را نادیده گرفته و آن‌ها را «انکار» می‌کند. شیوه این کار به‌گونه‌ای است که مخاطب در ناخودآگاه خود احساس می‌کند که ایران در حال ظلم به لبنان است.

همچنین در این پاراگراف، نویسنده برای معرفی ایران در چارچوب مورد نظر خویش یعنی «عدم تعهد به قوانین بین‌الملل» از استراتژی «مقایسه» بهره گرفته است. به نوشته ون‌دایک «در این استراتژی برای مقایسه دو فرد یا دو موضوع، نویسنده با در نظر گرفتن برخی از جزئیات برای نشان‌دادن برتری یکی بر دیگری با آوردن استدلال می‌کوشد» (Van Dijk, 2015, p. 102). مقایسه انجام‌گرفته بین سخن رئیس‌جمهور و اقدام امیرعبداللّه‌یان در ایستادن در صف اول مختص سران در عکس یادگاری کنفرانس بغداد است. نویسنده می‌کوشد تا با این مقایسه تلاش‌های ایران را در راستای امنیت و ثبات دو کشور لبنان و عراق کم‌رنگ جلوه داده و بی‌توجهی به ساختارها و پروتکل‌ها را پررنگ سازد، که همان کارکرد ضلع دوم و چهارم مربع ایدئولوژیک است.

<sup>1</sup> disclaimer

جدول ۱: اطلاعات آماری راهبردهای زبانی در بیست متن مورد بررسی

تکنیک زبانی	قطبی سازی	فاصله گذاری	مثال	اغراق	صورت های ضد واقعگرا	انکار	هم معنایی
دفعات به کارگیری	۶۳	۴۱	۱۹	۴۷	۳۷	۲۵	۷۷
تکنیک زبانی	دراماتیزه شدگی	همدلی	آشکار سازی	پیش فرض	مقایسه	تشبیه	
دفعات به کارگیری	۲۲	۴۱	۳۳	۵۰	۱۷	۱۰	



شکل ۱: نمودار توصیفی اطلاعات آماری راهبردهای زبانی در متون مورد بررسی

## ۵. نتیجه گیری

کلیدی ترین واژه های به کار گرفته شده درباره ایران در متن های مورد بررسی، تهدید (۲۷ بار)، برجام و انرژی هسته ای (۲۴ بار)، نفوذ (۳۴ بار) امنیت (۲۱ بار)، تروریسم (۱۶ بار)، بحران اقتصادی (۲۲ بار)، منطقه خاورمیانه (۳۸ بار) و تحریم (۱۷ بار) بوده اند. دایره معنایی به دست آمده از واژه های مورد اشاره، پایه اصلی راهبردهای زبانی به کار گرفته شده در این شبکه، در پیوند با چارچوب های خبری علیه ایران است. متن های خبری سایت العربیه کوشیده اخبار مربوط به تحولات عراق را در چارچوب ایستادگی ایران در برابر خواست ملت عراق و حمایت عربستان از آنها ارائه دهد. سانسور خبری شدیدی درباره نقش نظامی عربستان و حمایتش از گروه های مسلح خارجی در کشورهای عربی وجود دارد. به گونه ای که در سراسر متن های بررسی شده یک مورد

اشاره به این مسأله مشاهده نشد. این چارچوب خبری مبتنی بر حذف، همسو با نظر ون‌دایک، بر پایهٔ گفتمان سکوت و کمرنگ‌سازی مسائل منفی درباره گروه خودی انجام پذیرفته‌است. نگرانی شدید العربیه از حمایت و همراهی مردم منطقه در وضعیت به‌کارگیری راهبردهای زبانی قطبی‌سازی و فاصله‌گذاری قابل تشخیص است. در موضوع‌های گوناگونی که در این خبرگزاری (شبکه و سایت خبری‌اش) به آن‌ها پرداخته می‌شود، اصلی‌ترین چارچوب، جداسازی ایران از صف کشورهای اسلامی (گروه خودی) و قرارداد آن در ردیف گروه‌های تروریستی و تندرو همچون داعش، القاعده و طالبان و ارتباط با آن‌ها است. از دیدگاه العربیه هرگونه خودی به شمار آمدن ایران نزد مسلمانان، به منافع عربستان ضرر می‌زند.

از دیگر چارچوب‌های قابل توجه در العربیه، تلاش برای معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه و دنیاست. در این راستا، کلیدواژه امنیت و ایران هسته‌ای یکی از جفت‌های هم‌نشین با ایران است. بهره‌گیری از راهبردهای **اخواق** و غیر واقع‌گرا، پایهٔ اجرایی این چارچوب نزد خبرنگاران العربیه به شمار می‌شود. ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، نسبت‌دادن آشوب و ناامنی‌های احتمالی به ایران در کنار ارائهٔ تصویری استعمارگرانه و نفوذی از عملکرد کنونی ایران، مجموعه استدلال‌های این رسانه را تشکیل می‌دهد. نکتهٔ دیگر، چارچوب جدید العربیه برای پشتیبانی از اعتراض‌های اقتصادی، اجتماعی و صنفی در ایران است. بخشی از ظرفیت دیپلماسی رسانه‌ای عربستان در حال حاضر به حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب داخلی در ایران اختصاص یافته‌است. در همین راستا، هرگونه اعتراضات عادی در داخل ایران نیز به تمایل داخلی برای سرنگونی نظام حاکم تعبیر می‌شود. استراتژی زبانی در نظر گرفته‌شده برای این چارچوب، به‌طور غالب بهره‌گیری از واژه‌ها و جمله‌های «همدلانه» است که در متن پژوهش به نمونه‌هایی از آن اشاره شد. دیگر چارچوب مهم که بسیاری از اخبار العربیه بر مبنای آن ساماندهی و پخش می‌شود، ارائهٔ تصویری از یکپارچگی عربی و اسلامی علیه ایران است. مقایسه و تشبیه، همچنین قطبی‌سازی و فاصله‌گذاری از جمله تکنیک‌های زبانی هستند که در پیاده‌سازی این چارچوب نقش مهمی دارند. انعکاس بخش‌های دلخواه از واقعیت و هم‌راستا با منافع خودی، دوگانه‌سازی و ایجاد قطب منفی و مثبت از ایران و مصلحت‌عربی، ارائهٔ تصویری از اتحاد عربی و اسلامی علیه ایران، غیر قابل گفت‌وگو نشان دادن ایران به‌عنوان کنشگر غیر خودی که تفاهم و همکاری منطقه‌ای، منافع او را به خطر می‌اندازد، تکه‌های دیگری از جورچین ساخت‌های گفتمانی العربیه علیه ایران است. در همین راستا، کلیدواژه‌های تهدید و خطر ایران برای همسایگان به‌طور روزانه در بخش‌های مختلف خبری تکرار می‌شود تا اولاً با مرور زمان، مخاطبان آن را به‌عنوان گزارهٔ صادق و قطعی،

پیش فرض ذهنی خود درباره ایران قرار دهند و این رسانه بتواند در مرحله پسین، پذیرش دیگر اخبار مرتبط با ایران را بدون بررسی گواهها و دلایل نزد مخاطبان خویش امکان پذیر سازد.

### فهرست منابع

اشتر و مبعک، جاسپر و آدام شهتا (۱۳۸۹). «پیامبر سوژه کاریکاتورهای سیاسی چارچوب بندی موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام (ص) مقایسه میان فرهنگی مطبوعات سوئد و آمریکا». ترجمه عبدالله بیچرانلو. ماهنامه سوره اندیشه. شماره ۴۶. صص ۲۳۹-۲۳۱.

<https://ensani.ir/file/download/article/20120413172122-5128-44.pdf>

امیدی، علی و مهرداد رشیدی علوی (۱۳۹۶). «جنگ رسانه در بحران اکران؛ چارچوب سازی تحولات سیاسی اوکراین و کریمه (۲۰۱۳-۲۰۱۵) در شبکه های خبری سی ان ان و راشاتودی». مطالعات رسانه های نوین. شماره ۱۰. صص ۱۶۸-۱۳۹.

<https://doi.org/10.22054/cs.2017.18255.153>

آمین، ایمیل (۲۰۲۱). ایران... الغموض التکتیکی لا یفید. موقع قناة العربیة. ایران-الغموض-التکتیکی-لا-یفید / <https://www.alarabiya.net/politics/2021/10/01>

اتمن، رابرت (۲۰۰۷). «سوگیری به واسطه چارچوب گذاری: رسانه در توزیع قدرت». ترجمه محمدرضا تقوی پور و سیدمحمد کاظمی اونجی. مطالعات انتخابات. شماره ۱۰ و ۱۱. صص ۱۷۸-۱۶۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>

ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». عیار پژوهش در علوم انسانی. شماره ۶. صص ۴۴-۱۵.

<https://pajohesh.nashriyat.ir/node/62>

الثلب، حمزة امحمد و أبو القاسم، غلام (۲۰۱۹). آليات تحليل الخطاب الإعلامي للصحف الليبية، دراسة تحليلية لصحفتي الصباح وليبيا الإخبارية. مجلة كلية الفنون والإعلام بجامعة مصراتة. ليبيا. السنة الرابعة. العدد الثامن. صص ۷۱-۸۸.

<https://journals.misuratau.edu.ly/media/upload/file/R-628-4.pdf>

حافظ، عادل (۲۰۱۷). السعودية، صوت العالم الإسلامي. الرياض: المركز الدولي للنشر و الإعلام. الحسيني، هدى (۲۰۲۱). هل الاستنجد بلبنان ينقد إيران يا سيد حسن؟. موقع قناة العربیة. هل-الاستنجد-

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/07/01> بلبنان-ينقد-إيران-يا-سيد-حسن؟

حلاج زاده بناب، حسين، سيد فريد خليفه لو و فردوس آقا گل زاده (۱۳۹۷). «توصيف و تحليل ساخت های ايدئولوژيک در گفتمان دادگاه خانواده، زن های خواستار طلاق بر پایه دیدگاه ون دایک». زبان پژوهی. سال ۱۰. شماره ۲۸. صص ۵۸-۳۱.

<https://doi.org/10.22051/jlr.2017.11440.1180>

خيرالله، خيرالله (۲۰۲۱). إيران اختارت التصعيد. موقع قناة العربیة. ایران-اختارت-التصعيد /

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/03>

الذایدی، مشاری (۲۰۲۱). *ضع مع هذا كله... نووی ایران!*. موقع قناة العربیّه. *ضع مع هذا-کله-نووی-*

ایران- / <https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/18>

سرابی، سعید و هادی بهجتی فرد (۱۳۹۴). «مقایسه گفتمان خبری سایت‌های فارسی‌زبان؛ شبکه‌های العربیّه و بی‌بی‌سی: مطالعه موردی اعتراضات عمومی در بحرین». *پژوهش‌های ارتباطی*. سال ۲۳. شماره ۱.

صص ۱۵۰-۱۳۳. <https://doi.org/10.22082/cr.2016.20115>

سورین، ورنی جی و جیمز دلبیو تانکارد (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان. تهران:

انتشارات دانشگاه تهران. <https://www.gisoom.com/book/1240389>

شمس، مرتضی، محمدقلی میناوند و شهاب‌الدین صبوری (۱۳۹۷). «نحوه پوشش خبری بحران در خیر تلویزیونی صداوسیما (مطالعه موردی: بحران پلاسکو در شبکه خبر)». *فصلنامه علمی رسانه*. دوره ۳۰. شماره ۴. شماره پیاپی ۱۱۷. صص ۴۸-۲۹.

[https://qjmn.farhang.gov.ir/article\\_104598.html](https://qjmn.farhang.gov.ir/article_104598.html)

شندب، علی (۲۰۲۱). *المکریسیه ودموع میقاتی*. موقع قناة العربیّه. *المکریسیه-ودموع-میقاتی*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/09/13/>

طاهری، امیر (۲۰۲۱). *ایران وجناحها التالفان*. موقع قناة العربیّه. *ایران-وجناحها-التالفان/*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/13>

فرقانی، محمد مهدی و مژدن کاظم (۱۳۹۴). «دولت یازدهم و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا؛ بررسی ابعاد و چارچوب‌های محتوایی سایت فارسی صدای آمریکا». *مطالعات رسانه‌های نوین*. شماره ۲. صص

۱۸-۱. <https://doi.org/10.22054/cs.2015.4520>

فرنسیس، طونی (۲۰۲۱). *محاولة اغتيال الكاظمی رسالة إلى العواصم الأربع!*. موقع قناة العربیّه. *محاولة-*

*اغتيال-الکاظمی-رسالة-الی-العواصم-الأربع/*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/11/08>

الفقی، مصطفی (۲۰۲۱). *ایران و طالبان*. موقع قناة العربیّه. *ایران-وطالبان/*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/09/15>

قاسمی نسب، رضا علی، علی ضیغمی و سید رضا میراحمدی (۲۰۲۰). *تحلیل خطاب طلبات آمریکا المتکررة للتفاوض مع ایران فی قنوات العربیّه، والجزیره، والمیادین علی أساس نظریة تتون فان دایک*. *فصلیة بحوث فی اللغة العربیّه*. المجلد ۱۲. العدد ۲۳. صص ۲۱۱-۱۹۷.

القلاب، صالح (۲۰۲۱). *ایران ضد العرب والأکراد وتسعی لاحتواء مناطق عربیة*. موقع قناة العربیّه. *ایران-*

*ضد-العرب-والأکراد-وتسعی-لاحتواء-مناطق-عربیة/*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/20>

الفتیعی، حسناء (۲۰۲۱). *یتباکون علی تعلیق موسم الحج ویصمتون عن جرائم ایران*. موقع قناة العربیّه.

*یتباکون-علی-تعلیق-موسم-الحج-ویصمتون-عن-جرائم-ایران/*

<https://www.alarabiya.net/politics/2021/07/09>



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال شانزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۳ / ۸۹

مراسلو العربیة نت (۲۰۲۱). عند تنصیب رئیس ایران.. تحرک لأهالی ضحایا الأوکراینیة. موقع قناة العربیة.

عند-تنصیب-رئیس-ایران-تحرک-أهالی-ضحایا-الأوکراینیة.

<https://www.alarabiya.net/iran/2021/07/05>

مهدی زاده، سید محمد، مهدخت بروجردی علوی و سید محسن عسگرزاده (۱۳۹۷). چارچوب سازی

رویدادهای خبری توسط خبرگزاری‌ها در پیام رسان تلگرام؛ تحلیل چارچوب خبری نطق ترامپ و

روحانی در مورد برجام. فصلنامه رسانه. دوره ۵. شماره ۱۹. صص ۶۰-۳۵.

[https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/4032813981902.pdf](https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/4032813981902.pdf)

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۰). «تصویرسازی منفی رسانه‌های غرب از جهان اسلام و ملل شرق تهران».

سازمان صدا و سیما: فصلنامه رسانه. سال ۱۲. شماره ۴۷. صص ۲۱-۱۰.

[https://ensani.ir/file/download/article/20110201102958-%C2%A0%20\(33\).pdf](https://ensani.ir/file/download/article/20110201102958-%C2%A0%20(33).pdf)

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

<https://agahbookshop.com/>

ون دایک، تئو (۱۳۹۴). ایدئولوژی و گفتمان. ترجمه محسن نوبخت. تهران: نشر سپاه‌رود.

<https://www.agahbookshop.com/>

## References

Al Arabiya Net Correspondents (2021). When the President of Iran is inaugurated...a movement for the families of the Ukrainian victims. Al Arabiya channel website. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/iran/2021/07/05>>. [In Arabic]

Al-Dhaidi, Mishari (2021). Put with all this... Iran's nuclear! Al Arabiya channel website. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/18Put-with-this-all-nuclear-Iran/>> [In Arabic]

Al-Feki, Mustafa (2021). Iran and the Taliban. Al Arabiya channel website. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/politics/2021/09/15Iran-Taliban/>> [In Arabic]

Al-Husseini, Hoda (2021). Will seeking help from Lebanon save Iran, Mr. Hassan? Al Arabiya channel website. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/politics/2021/07/01/Wills-sleeping-in-Lebanon-save-Iran-oh-Sayyed-Hassan?>> [In Arabic]

Al-Qalab, Saleh (2021). Iran is against the Arabs and Kurds and seeks to contain Arab regions. Al Arabiya channel website. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/20Iran-against-Arabs-and-Kurds-and-seeks-to-contain-Arab-regions/>> [In Arabic]

Al-Quneir, Hasnaa (2021). They lament the suspension of the Hajj season and remain silent about Iran's crimes. Al Arabiya channel website. Retrieved from <[https://www.alarabiya.net/politics/2021/07/09They\\_cry-over-the-suspension-of-the-Hajj-season-and-are-silent-about-Iran's-crimes](https://www.alarabiya.net/politics/2021/07/09They_cry-over-the-suspension-of-the-Hajj-season-and-are-silent-about-Iran's-crimes)> [In Arabic]

Al-Thalab, H. A., & Abu Al-Qasim, G. (2019). Mechanisms for analyzing the media discourse of Libyan newspapers, an analytical study of Al-Sabah and Libya Al-Akhbariya newspapers. *Journal of the College of Arts and Media at*

- Misurata University, 4(8). pp. 88-71. Retrieved from <https://journals.misuratau.edu.ly/media/upload/file/R-628-4.pdf> [In Arabic].
- Amin, Emil (2021). Iran... Tactical ambiguity is not helpful. Al Arabiya channel website. Retrieved from <https://www.alarabiya.net/politics/2021/10/01Iran-tactical-ambiguity-is-not-helpful/> [In Arabic]
- Devereux, E. (2007). *Media studies: key issues and debates*. London: SAGE Publications. Retrieved from <https://search.worldcat.org/title/Media-Studies--Key-Issues-and-Debates/oclc/871856273>
- Entman, R. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. *Journal of Communication*, 43(4), 51-8. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1993.tb01304.x>
- Entman, R. (2007). Framing bias: media in the distribution of power. *Journal of communication* 57. International Communication Association, 163- 173. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2006.00336.x>
- Entman, R. (2007). "Bias by Framing: Media in the Distribution of Power". Translated by Mohammad Reza Taghavipour and Seyyed Mohammad Kazemi Unji. *Election studies*. No. 10 and 11. pp. 161-178. Retrieved from <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/> [In Persian].
- Forghani, M. M., & Forghani, M. M. (2015). The Iranian Eleventh Government and the US Media Diplomacy: Analyzing the Scopes and Frames of the Content of VOA Persian Website. *New Media Studies*, 1(2), 1-30. <https://doi.org/10.22054/cs.2015.4520> [In Persian].
- Francis, Tony (2021). The attempt to assassinate Al-Kadhimi is a message to the four capitals! Al Arabiya channel website. Retrieved from <https://www.alarabiya.net/politics/2021/11/08Attempted-assassination-of-Al-Kazemi-message-to-the-four-capitals> [In Arabic]
- Ghasemi Nasab, R. A., Zeghmi, A., & Mirahamdi, S. R. (2020). Analysis of the discourse of America's repeated requests to negotiate with Iran on Al-Arabiya, Al-Jazeera, and Al-Mayadeen channels on the basis of Toen van Dijk's theory. *Research Quarterly in the Arabic language*, 12(23), 197-211. [In Arabic].
- Hafez, A. (2017). *Saudi Arabia, the voice of the Islamic world*. (1<sup>st</sup> ed), Riyadh: International Center for Publishing and Media. [In Arabic].
- Hall, S. (2007). Cultural identity and diaspora. In J. Rutherford (ed.), *Identity Community, Culture, Difference*. London: Lawrence and Wishart. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2769542>
- Hallajzadeh Bonab, H., Khalifehloo, S. F., & Aghagolzadeh, F. (2018). Description and analysis of ideological structures in family court discourse, divorce demanding women, based on Van Dijk (2006). *ZABANPAZHUHI (Journal of Language Research)*, 10(28), 31-58. <https://doi.org/10.22051/jlr.2017.11440.1180>. [In Persian].
- Iman, M. and Noushadi M. (2011). Qualitative content analysis. *The Quality of Research in Humanities Quarterly Journal*, 6, 15-44. [In Persian].
- Khairallah, Khairallah (2021). Iran chose escalation. Al Arabiya channel website. Retrieved from <https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/03 Iran-chosen-escalation> [In Arabic]
- Mahdzadeh, S. M. (1387). *Media and representation*. Tehran: Office of Media Studies and Development. Retrieved from <https://agahbookshop.com> [In

- Persian].
- Mahdzadeh, S. M., Borujerdi Alavi, M. and Asgarzadeh, S. M. (2017). Framing of news events by news agencies in Telegram Messenger; Analysis of the news framework of Trump and Rouhani's speech about the JCPOA. *Media Quarterly*, 5(19), 35-60. Retrieved from <[https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/4032813981902.pdf](https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/4032813981902.pdf)> [In Persian].
- Mehdzadeh, M. (2001). Impact of Media on Negative Portrayal of Islamic World and the Western nation. *Media Quarterly Journal*, 12(47), 10-21. Retrieved from <<https://agahbookshop.com/>> [In Persian].
- Omidi, A., & Rashidi, M. (2017). A Comparative Study of News Framing by the CNN and RT during Ukrain and Crimean Crisis (2013-2015). *Journal of New Medias Studies*, 10, 139-168. <https://doi.org/10.22054/cs.2017.18255.153> [In Persian].
- Richardson, J. E. (2007). *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. New York: Palgrave Publishing. Retrieved from <<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2884470>>
- Sarabi, S., & Behjati Fard, H. (2016). Comparing Al-Arabiyyeh and BBC Persian-Language Websites' News Discourses A case study of public protests in Bahrain. *Communication Research*, 23(85), 133-150. <https://doi.org/10.22082/cr.2016.20115>. [In Persian].
- Shandab, Ali (2021). Macricism and Mikati's tears. *Al Arabiya website*. <https://www.alarabiya.net/politics/2021/09/13/Al-Makrisiyyah-and-Tears> [In Mikati]
- shmas, M., Minavand, M. G., & Sabouri, S. (2020). News Coverage of Crisis by Iranian State TV (IRIB) Case Study: Plasco Crisis Reported by News Channel. *Rasaneh*, 30(4), 29-48. Retrieved from <[https://qjmn.farhang.gov.ir/article\\_104598.html](https://qjmn.farhang.gov.ir/article_104598.html)> [In Persian].
- Snow, D. A., Rochford, E. B., Worden, J. S. K., & Benford, R. D. (1986). Frame alignment processes. Micromobilization. and movement participation. *American Sociological Review*, 51(4), 464-481. <https://doi.org/10.2307/2095581>
- Sorin, V. J. & Tankard, W. J (2008). *Communication theories*. Translated by Alireza Dehghan. Tehran: Tehran University Press. Retrieved from <<https://www.gisoom.com/book/>> [In Persian].
- Strombeck, J. & Shehta, A. (2009). "The Prophet, the subject of political cartoons, the framing of the subject of the cartoons of the Prophet of Islam (PBUH), a cross-cultural comparison of Swedish and American press". Translated by Abdullah Bichranloo. *Monthly Surah Andisheh*, 46. 231-239. Retrieved from <<https://ensani.ir/file/download/article/20120413172122-5128-44.pdf>> [In Persian].
- Taheri, Amir (2021). Iran and its damaged wings. *Al Arabiya channel website*. Retrieved from <<https://www.alarabiya.net/politics/2021/08/13Iran-and-its-damaged-wings/>> [In Arabic]
- Van Dijk, T. (2005). *Critical Discourse Analysis*. London: Blackwell Publishers Ltd. <https://doi.org/10.1002/9780470753460.ch19>
- Van Dijk, T. (2015). *Discourse and Ideology*. (Mohsen Noubakht trans.), 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Siahroud publication. Retrieved from <<https://www.agahbookshop.com/>> [In Persian].

[www.alarabiya.net](http://www.alarabiya.net)



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

